





The University of Tehran Press

Legal Standardization of the Activities of Transnational Companies and its Impacts on Globalization and Attracting Foreign Investment

Mina Ghodrati Rad¹  | Ali Pourghassab Amiri²  | Ahmadreza Behniafar³ 

1. PhD Student, Department of Public Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran. Email: mina.ghodrati.raad67@gmail.com
2. Corresponding Author; Department of International Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran. Email: aliamiri@damghaniau.ac.ir
3. Department of Theology and Education, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran. Email: a.behniafar@damghaniau.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Today, the world depends on the rules governing transnational corporations, and transnational corporations have become one of the main concerns at the national and international levels. The method of traditional standards does not meet the requirements of traditional standards in all countries and does not have the guarantee of proper implementation. Internal and even existing regulations in companies are considered. Following the activities of these companies, the question arises as to what is the obligation to comply with legal laws or violate these laws and standards? It seems that globalization and structural changes in the performance of governments can be considered as one of the most important reasons for increasing power and, consequently, the role of transnational corporations and attracting foreign investment at the domestic and international levels. Legal ethics are automatically observed, and in others, legal standards are violated, so they need to establish legal order and standardization. In this paper, using a descriptive-analytical method, the objectives of foreign investment by transnational companies as the main goal and the challenges in this field are examined.
Pages: 1667-1684	
Received: 2022/01/08	
Received in revised form: 2022/02/11	
Accepted: 2022/02/27	
Published online: 2024/09/22	
Keywords: <i>development of international relations, globalization, foreign investment, transnational corporations, developing countries, legal order.</i>	
How To Cite	Ghodrati Rad, Mina; Pourghassab Amiri, Ali; Behniafar, Ahmadreza (2024). Legal Standardization of the Activities of Transnational Companies and its Impacts on Globalization and Attracting Foreign Investment. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 54 (3), 1667-1684. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.337044.2992
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.337044.2992
Publisher	The University of Tehran Press. 



انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره: ۵۴، شماره: ۳

پاییز ۱۴۰۳

Homepage: <http://jpls.ut.ac.ir>

استانداردسازی حقوقی فعالیت‌های شرکتهای فراملی و آثار آن بر روند

جهانی شدن و جذب سرمایه‌گذار خارجی

مینا قدرتی راد^۱ | علی پورقصاب امیری^۲ | احمدرضا بهنیا فر^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. رایانامه: mina.ghodrati.raad67@gmail.com

۲. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق بین الملل، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. رایانامه: aliamiri@damghaniau.ac.ir

۳. گروه الهیات و معارف، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. رایانامه: a.behniafar@damghaniau.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۶۶۷-۱۶۸۴</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: توسعه روابط بین‌الملل، جهانی شدن، سرمایه‌گذاری خارجی، شرکتهای فراملی، کشورهای در حال توسعه، نظم حقوقی.</p>	<p>امروزه جهان پیش‌روی ما، به مقررات حاکم بر شرکتهای فراملی وابسته است و این شرکتها به یکی از دغدغه‌های اساسی در سطح ملی و بین‌المللی تبدیل شده است. روش‌های استانداردسازی سنتی یا قاعده‌گذاری، ممکن است در خصوص ایجاد تعهدات حقوق بشری برای شرکتهای فراملی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه چندان مناسب نباشد و از ضمانت اجرای مقتضی برخوردار نباشد. در نتیجه، لزوم استانداردسازی قوانین موجود در جهت عملکرد بهتر هم در سطح بین‌الملل و حقوق داخلی و حتی مقررات موجود در شرکتها ملاحظه می‌شود. در پی فعالیت این شرکتها، این سؤال مطرح می‌شود که الزام به رعایت قوانین حقوقی و یا نقض این قوانین و استانداردها تا چه حد است؟ به‌نظر می‌رسد جهانی شدن و ایجاد تغییرات ساختاری در عملکرد دولت‌ها را شاید بتوان از مهم‌ترین علل افزایش قدرت و به‌تبع آن نقش شرکتهای فراملی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سطوح داخلی و بین‌المللی دانست که در این زمینه در برخی موارد تعهدات اخلاقی حقوقی به‌صورت خودکار رعایت می‌شوند و در برخی دیگر، استانداردهای حقوقی نقض می‌شوند، در نتیجه نیازمند ایجاد نظم و استانداردسازی حقوقی‌اند. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، به بررسی اهداف سرمایه‌گذاری خارجی توسط شرکتهای فراملی به‌عنوان هدف اصلی و بررسی چالش‌های موجود در این زمینه پرداخته می‌شود.</p>
استناد	قدرتی راد، مینا؛ پورقصاب امیری، علی؛ بهنیا فر، احمدرضا (۱۴۰۳). استانداردسازی حقوقی فعالیت‌های شرکتهای فراملی و آثار آن بر روند جهانی شدن و جذب سرمایه‌گذار خارجی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۴ (۳)، ۱۶۶۷-۱۶۸۴. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.337044.2992
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.337044.2992
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

بنابر تعریف سازمان همکاری اقتصاد و توسعه، شرکت‌های فراملی^۱، در بیش از یک کشور مستقرند و منافع آنها با یکدیگر در ارتباط متقابل است، به نحوی که به دنبال کسب سود بیشترند. به عبارت دیگر، شرکت‌های فراملی با هدف گسترش فعالیت خود در سطح جهانی و سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه، شرکت تابعه خارجی تأسیس می‌کنند که در این بین از امکانات، منابع و نیروی کار موجود در آن کشور بهره‌برداری می‌شود. از طرفی، فعالیت شرکت‌های فراملی در سطح بین‌المللی، به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاص، نقشی حیاتی در توسعه فناوری، رشد فناوری، پرورش نیروی کار ماهر و ... ایفا می‌کند.

در حال حاضر، شرکت‌های فراملی از مهم‌ترین مباحث در اقتصاد جهان است. طی این مدت، این شرکت‌ها به گونه‌ای عمل کردند که بیشتر کشورها در معرض نفوذ آنها قرار گرفته‌اند. به نحوی که شناخت شرایط اقتصادی و اجتماعی آن کشورها بدون در نظر گرفتن نقش شرکت‌های فراملی، امری محال به نظر می‌رسد. با وجود اختلاف نظرها و طرح دیدگاه‌های متفاوت در خصوص تأثیرات منفی و مثبت این شرکت‌ها در صحنه اقتصاد جهانی و به ویژه در ارتباط با کشورهای کمتر توسعه یافته، نمی‌توان از نفوذ فزاینده آنها در اقتصاد جهانی و همچنین در حاکمیت و اقتدار دولت‌ها بی تفاوت گذشت. به رغم علاقه‌مندی شرکت‌های فراملی به سرمایه‌گذاری در کشورهای توسعه یافته صنعتی، کشورهای در حال توسعه نیز، این بار با اتخاذ سیاست‌هایی، در صدد جلب توجه این شرکت‌ها جهت سرمایه‌گذاری در کشور خود هستند.

با روش‌های استانداردسازی سنتی یا قاعده گذاری، ممکن است در خصوص ایجاد تعهدات حقوق بشری برای شرکت‌های فراملی به ویژه در کشورهای در حال توسعه چندان مناسب نبوده و از ضمانت اجرای مقتضی برخوردار نباشد، در نتیجه، لزوم استانداردسازی قوانین موجود در جهت عملکرد بهتر هم در سطح بین‌الملل و هم در حقوق داخلی و حتی مقررات موجود در شرکت‌ها ملاحظه می‌شود. در پی فعالیت این شرکت‌ها، این پرسش کلیدی مطرح می‌شود که الزام به رعایت قوانین حقوقی و یا نقض این قوانین و استانداردها تا چه حد است؟ به نظر می‌رسد جهانی شدن و ایجاد تغییرات ساختاری در عملکرد دولت‌ها را شاید بتوان از مهم‌ترین علل افزایش قدرت و به تبع آن نقش شرکت‌های فراملی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سطوح داخلی و بین‌المللی دانست که در این زمینه در برخی موارد تعهدات اخلاقی حقوقی به صورت خودکار رعایت می‌شوند، به این دلیل که ملزم به پاسخگویی در برابر دولت‌ها در خصوص برخی قوانین حقوق بشرند و این کنترل از سوی دولت‌ها انجام می‌گیرد^۲

1. Transnational corporations

۲. همان‌طور که در ۳۱ اصل از اصول راهنمای شورای حقوق بشر (در خصوص بنگاه‌های تجاری و حقوق بشر از جانب نماینده ویژه دبیر کل ملل متحد ۲۰۰۵-۲۰۱۱) بر سه مورد کلی زیر اشاره شده است: «حمایت، احترام و جبران خسارت» و در آن به همکاری متقابل شرکت‌های فراملی با دولت‌ها نسبت به رعایت و صیانت اصول اخلاقی حقوق بشر تأکید شده است. با این حال بر اساس فرمول تعهد کامل در حال حاضر، تعهد و تکلیف به رعایت اصول حقوق بشر

و در برخی دیگر، استانداردهای حقوقی مانند قوانین حفظ محیط زیست و رعایت استانداردهای لازم نقض می‌شوند، در نتیجه نیازمند ایجاد نظم و استانداردسازی حقوقی‌اند.

۲. مبانی نظری

شرکت‌های فراملی علاوه بر بهره‌مندی از منابع، ثروت و قدرت بسیار، ویژگی‌هایی دارند که آنها را از شرکت‌های بزرگ که تحت حاکمیت یک دولت فعالیت دارند، متمایز می‌سازد. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها را می‌توان در حوزه فعالیت این شرکت‌ها دانست. شرکت‌های فراملی در بسیاری مواقع در فعالیتهای توسعه‌ای و زیربنایی و به‌ویژه صنایع استخراجی در دولت‌های در حال توسعه مشغول فعالیت هستند. حوزه‌هایی که بخش بزرگ و چشمگیری از درآمد کشورها از آن به‌دست می‌آید و به‌عبارت بهتر ادامه حیات کشور در گرو فعالیت این شرکت‌هاست، به‌ویژه در مواردی که شرکت‌های مذکور، به‌صورت انحصاری از برخی فناوری‌ها و یا توانمندی‌هایی برخوردارند. فعالیت شرکت‌های فراملی در کشورهای در حال توسعه موجب انتقال فناوری و توانمندسازی در این کشورها می‌شود و در کنار آن در برخی موارد موجب نقض برخی قوانین حقوقی و فسادهای اقتصادی می‌شود. سازمان ملل متحد از دهه شصت میلادی فعالیت‌های خود را در خصوص شرکت‌های فراملی آغاز کرد تا از فساد اقتصادی ایجادشده توسط برخی از این شرکت‌ها جلوگیری کند. امروزه شرکت‌های فراملی نقشی کلیدی در عرصه بین‌المللی ایفا می‌کنند. با در نظر گرفتن حجم فعالیت، قدرت اقتصادی بالا و ساختار سازمانی خاص، شرکت‌های فراملی را می‌توان از بازیگران بسیار مهم صحنه اقتصاد نوین در روند جهانی شدن و جذب سرمایه‌گذاری خارجی دانست.

زمان ظهور نام شرکت‌های فراملی به پس از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. پس از انقلاب صنعتی، فعالیت شرکت‌های فراملی گسترش یافت و این شرکت‌ها با کمک بانک‌های بزرگ در کشور مبدأ، اقتصاد کشورهای کمتر توسعه‌یافته را تحت تسلط خود درآوردند. این دوران حساسی در حیات شرکت‌های فراملی و اقتصاد جهانی بود. خسارات ناشی از جنگ در اروپا و شرق آسیا سبب شد تا زمینه‌های مناسب برای افزایش فعالیت اقتصادی آمریکا در جهان فراهم آید. این کشور در ابتدا در قالب طرح مارشال^۱ مقدمات مورد نیاز برای تسهیل سرمایه‌گذاری را فراهم کرد. پس از آمریکا، بریتانیا دومین قدرت بزرگ دریایی محسوب می‌شد و ارتباط خود را با کشورهای مشترک‌المنافع^۲ حفظ کرده بود، به سرمایه‌گذاری در کشورهای مستعمره پرداخت و همین مسئله سبب شد تا در صورت بروز مشکل برای

بر عهده دولت‌هاست و شرکت‌های فراملی تنها مسئولیت رعایت اصول حقوق بشر را دارند.

1. Marshall Plan
2. Commonwealth countries

شرکت‌های فراملی، به حفظ منافع این شرکت‌ها بپردازد. به‌طور کلی، مجموعه‌ای از عوامل سبب شد تا بریتانیا در کنار آمریکا در زمینه صدور سرمایه‌های مستقیم قرار گیرد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۳۹۳). در واقع آنچه امروزه به‌عنوان شرکت‌های فراملی شناخته می‌شوند، از اواخر سده نوزدهم و پس از طی یک دوره افول، به‌وجود آمده‌اند. در این دوران تغییرات چشمگیری در اهداف شرکت‌های فراملی پدید آمد، به این ترتیب که هدف این شرکت‌ها از تأمین منافع عمومی (مربوط به دولت متبوع)، به تأمین منافع سهامداران تبدیل شد. در این زمان شرکت‌ها واجد شخصیت حقوقی و دارای حیات مستقل از دولت شدند (لاجوردی، ۱۳۹۰: ۴۵-۴۶).

در پنجاه سال گذشته، بازارهای بین‌المللی نقش اساسی در افزایش درآمد شرکت‌های فراملی داشته‌اند و در این مسیر جهانی‌سازی نقش مهمی در رشد و قدرت اقتصادی این شرکت‌ها دارد (Whitaker & Ekman, 2017: 115-120). طبق گزارش‌ها و آمار منتشرشده در سال ۲۰۱۶ توسط کمیسیون اروپا، تسلط بر بیش از نیمی از تجارت بین‌الملل، در حال حاضر در اختیار شرکت‌های فراملی است (Kordos & Vojtovic, 2016: 152_153).

۳. جهانی شدن، از مهم‌ترین دلایل افزایش نقش شرکت‌های فراملی

گسترش شرکت‌های فراملی، یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات قرن حاضر در حوزه توسعه اقتصادی در سطح جهان است (Larison & Skidmore, 2016: 250). اگر شرکتی در سایر کشورها، واحدهای صنعتی، خدماتی و یا تولیدی داشته باشد و یا آنها را کنترل کند، شرکت فراملی نام دارد (Espinoza, 2014: 15-16). شرکت‌های فراملی شامل چندین شعبه در کشورهای مختلف‌اند که سیاست‌های متحدی را دنبال می‌کنند و همگی تشکیلات مذکور، اهداف و پیوندهای مشترکی مانند مالکیت دارند. در حال حاضر بیشتر از ۲۵ درصد تولید در سطح جهان در اختیار این شرکت‌هاست، تا آنجایی که عده‌ای از حقوقدانان در تلاش‌اند که این شرکت‌ها را هم‌پایه دولت‌ها، دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی در نظر گیرند، زیرا فی‌الذاته دارای شخصیت حقوقی‌اند (انصاری، ۱۳۹۵: ۴). طبق نظام فعلی حقوق بین‌الملل بشر، اولین گروه از صاحبان تکلیف دولت‌ها هستند که باید اطمینان داشته باشند که بخش خصوصی نیز آن را نقض نمی‌کند، زیرا همان‌طور که اشاره شد، دولت‌ها دارای تکلیف برای رعایت اصول حقوق بشرند و در برابر فعالیت شرکت‌های فراملی نیز پاسخگو هستند و شرکت‌ها تنها دارای مسئولیت رعایت این اصول هستند. از سال ۲۰۰۰ سازمان ملل متحد تلاش کرده است که طبق پیمان‌نامه جهانی سازمان ملل

1. See only UNHRC, "Report of the Special Representative of the Secretary-General on the issue of human rights and transnational corporations and other business enterprises, John Ruggie" (2010) UN.

متحد^۱ شرایط را تغییر دهد و کسب و کارها و سایر بازیگران دولتی را در کنار دولت‌ها گرد هم آورد و کسب و کارها را دارای تکلیف و مسئولیت عنوان کند. پیمان‌نامه جهانی در سال ۲۰۱۸ که توسط دبیر کل سازمان ملل بنیانگذاری شد، دارای ۱۰ اصل جهانی است که چهار مورد اصلی آن مربوط به استانداردهای کار، حقوق بشر، مسائل محیط زیستی و مقابله با فساد است.

این امر، در قدرت قانونگذاری آنها اثر بسیار مهمی دارد و حقوق بین‌الملل امروزه با این چالش در تعیین تابعان خود مواجه شده است. فعالیت این شرکت‌ها روز به روز در حال گسترش است (Larison & Skidmore, 2016: 251 البته شراکت در این شرکت‌ها، باید در جهت نفع مردم باشد این موضوع در راستای جهانی شدن، سبب تغییر و تحول ساختاری در نقش دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته شده می‌شود (Axtmann, 2001: 130_132)).

جهانی شدن فرایندی است که به صورت تدریجی از گذشته شروع می‌شود و به سوی آینده پیش می‌رود. مضمون گسترش ارتباطات انسانی در تمامی این تعاریف یافت می‌شود. همگون‌سازی و ایجاد همبستگی در سطح جهان از دیگر استنتاج‌های این تعاریف است. از این رو در اینجا دو واژه مختلف به منظور تعیین موضوع ارائه می‌شود. جهانی شدن عبارت است از فرایند همگرایی جهان در قالب یک جامعه جهانی، در حالی که سیر آگاهانه فرایند جهانی شدن توسط بشر را جهانی‌سازی گویند (بهکیش، ۱۳۹۵: ۵).

جهانی شدن و ایجاد تغییرات ساختاری در عملکرد دولت‌ها را شاید بتوان از مهم‌ترین علل افزایش قدرت و به تبع آن نقش شرکت‌های فراملی در سطوح داخلی و بین‌المللی دانست. فناوری ارتباطات مدرن، توسعه سریع حمل‌ونقل جهانی، آزادسازی مرزهای جغرافیایی و تجارت بین‌المللی پدیده‌ای چندوجهی را ایجاد کرده است که حرکت سریع سرمایه، محصولات و اطلاعات را ایجاد می‌کند و در نتیجه آن، شاهد جهانی به هم پیوسته و یا به عبارت دیگر جهانی شدن هستیم. جهانی شدن از یک طرف سبب ایجاد تغییرات ساختاری در کارکردهای سنتی دولت‌ها می‌شود و از طرف دیگر شرایط لازم برای نقش‌آفرینی بازیگران قدرتمند دیگری، غیر از دولت‌ها را در سطح بین‌المللی فراهم می‌آورد. در واقع می‌توان گفت شرکت‌های فراملی هم منتفعان بزرگ فرایند جهانی شدن هستند و هم از نمایندگان اصلی آن به‌شمار می‌آیند، چراکه از یک سو، بدون وجود شرکت‌های فراملی، رشد جهانی شدن بسیار کند خواهد شد و از طرف دیگر شرکت‌های فراملی بدون پدیده جهانی شدن و نتایج و آثار آن امکان رشد و توسعه خود با شتاب کنونی را از دست خواهند داد (Hart, 2017: 2).

جهانی شدن علاوه بر ایجاد شرایط مساعد برای افزایش قدرت شرکت‌های فراملی، از طریق ایجاد تغییرات ساختاری در کارکردهای دولت نیز به‌طور غیرمستقیم به افزایش نقش و تأثیرگذاری شرکت‌های

فراملی کمک می‌کند. در واقع جهانی شدن با ایجاد اتکای فزاینده به بازار آزاد، رشد چشمگیر تأثیر بازارهای مالی بین‌المللی و مؤسسات بر تعیین سیاست‌های ملی، کاهش نقش، اندازه و بودجه دولت‌ها، خصوصی‌سازی بسیاری از کارکردهایی که سابقاً در صلاحیت انحصاری دولت قرار داشت و مقررات‌زدایی به‌منظور تسهیل سرمایه‌گذاری، به میزان زیادی از صلاحیت‌های انحصاری دولت‌ها می‌کاهد و بر نقش آفرینی سایر بازیگران خصوصی به‌ویژه شرکت‌های فراملی در حیات جوامع و افراد کمک می‌کند.^۱

۱.۳. اهداف کشورهای در حال توسعه در جهت جذب سرمایه‌گذار خارجی

شرکت‌های فراملی علاوه بر بهره‌مندی از منابع، ثروت و قدرت بسیار، دارای ویژگی‌هایی هستند که آنها را از شرکت‌های بزرگ که تحت صلاحیت یک دولت فعالیت دارند، متمایز می‌سازد. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها را می‌توان در حوزه فعالیت این شرکت‌ها دانست. شرکت‌های فراملی در بسیاری مواقع در فعالیت‌های توسعه‌ای و زیربنایی و به‌ویژه صنایع استخراجی در دولت‌های در حال توسعه مشغول فعالیت هستند. حوزه‌هایی که بخش بزرگ و شایان ملاحظه‌ای از درآمد کشورها از آن به‌دست می‌آید و به‌عبارت بهتر ادامه حیات کشور در گرو فعالیت این شرکت‌هاست، به‌ویژه در مواردی که شرکت‌های مذکور، به‌صورت انحصاری از برخی فناوری‌ها و یا توانمندی‌هایی برخوردارند.

مفهوم شرکت‌های فراملی شامل زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فناوری است و باید به شکل یک پدیده چندبعدی در نظر گرفته شود. ریسک فعالیت در این شرکت‌ها، به طرفین قرارداد منتقل می‌شود تا تمرکز را بر فعالیت‌های دارای ریسک‌پذیری کمتر و مهم‌تر از آن ارزش اقتصادی بالاتر منتقل کنند (Sullivan, 1994: 24-43). تا اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، توسعه را افزایش رشد اقتصادی می‌دانستند، اما پس از آن، به نظریه‌هایی اشاره شد که آن را پدیده اجتماعی دانستند که عوامل بیشتری از رشد سرانه ملی اثرگذار است (Hopkins, 2012: 3). به همین دلیل، مفهوم توسعه باید با رفع بی‌عدالتی، بیکاری و فقر همراه باشد. پس از آن، موضوعات ساختاری مانند شهرسازی، رشد جمعیت، آموزش، سلامتی، نیازهای حکومت در بررسی میزان توسعه‌یافتگی ورود پیدا کردند. در واقع مفهوم توسعه به موارد نهادین وابسته است و به بررسی شاخصه‌های اصلی و اساسی مربوط به آن می‌پردازد (Davarnejad, 2008: 3). بسیاری از دولت‌ها، سرمایه‌گذاری خارجی را ابزاری می‌دانند که جایگزینی برای کمک مالی مستقیم شده است و موجب جبران کاستی‌های موجود در جهت کمک‌های بین‌المللی مالی به کشورهای در حال توسعه است (Peterson, 2004: 2).

1. See: Statement of the Committee on Economic, Social and Cultural Rights on Globalisation and Economic, Social and Cultural Rights adopted on 2000.

در سال‌های اخیر، کشورهای در حال توسعه برای جبران کمبود منابع مالی خود، در تلاش برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی‌اند و میزان سرمایه‌گذاری به سرعت در حال افزایش است. نگرش این کشورها تغییر یافته و به نقش مؤثر سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه اقتصادی کشورها دست یافتند (زهی و علی‌پور، ۱۳۸۶: ۲۱۳-۲۱۴).

همان‌طور که اشاره شد، استفاده از منابع مالی خارجی، علاوه بر اینکه بیانگر ضعف اقتصادی نیست، بلکه به قدرت اقتصادی و حقوقی کشور میزبان در حال توسعه اشاره دارد. به این علت که سرمایه‌گذاران خارجی در کشورهایی اقدام به ارائه تسهیلات و سرمایه‌گذاری می‌کنند که کمترین تنش‌ها را داشته باشند و به نوعی ثبات اقتصادی دارند. در همین زمینه، مؤسسات بسیاری هستند که شرایط و وضعیت کشورها را بررسی می‌کنند که سرمایه‌گذاران خارجی را به امن‌ترین کشورها هدایت کنند (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱-۲). در این زمینه پیچیدگی‌های روزافزون و مسائل جدید سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی نیاز به مدیریت جهانی و یکپارچه را توجیه می‌کند.

توسعه و رشد اقتصادی از اهداف مهم اقتصادی هر کشور به‌شمار می‌آید، زیرا برای افزایش سطح رفاه افراد هر کشور، باید شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بهبود یابند و این امر جز در سایه رشد و توسعه اقتصادی کشورها میسر نیست. در دنیای امروز که شکاف بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه قابل درک است، جنبش عظیمی در بین کشورهای در حال توسعه برای از بین بردن این شکاف اقتصادی به وجود آمده است. بنابراین توجه به مقوله رشد و توسعه اقتصادی به سرعت در حال افزایش است. راهکارهای متفاوتی برای رسیدن به رشد اقتصادی وجود دارد که برای انتخاب یکی از آنها به عنوان راهبرد توسعه، باید توانایی‌ها، ضعف‌ها و زمینه‌های مورد نیاز و همچنین توانایی‌های اقتصادی هر کشور در اجرای آن سیاست به خوبی بررسی شود تا سیاستی اتخاذ گردد که بیشترین هماهنگی را با ملاحظات و شرایط جامعه داشته باشد (Razmi, 2011: 139).

کشورهای در حال توسعه برای جبران کمبود منابع مالی خود، در تلاش برای جذب سرمایه‌های خارجی و مشارکت آنها در زمینه‌های زیربنایی و تولیدی هستند. با مشاهده تجارب سایر کشورها که به توافق اقتصادی با سایر کشورها دست یافته‌اند، نتیجه می‌گیریم که این توافق برای هدف عالی‌تری صورت گرفته است و سرمایه‌گذاری، ملاک اصلی نیست بلکه مقدمه دستیابی به این امر اساسی محسوب می‌شود و ابزاری برای تحقق گسترش بخش خصوصی و بین‌المللی کردن آنهاست (به‌کیش، ۱۳۹۵: ۲۹۳). با وجود موارد مختلف اشتباهات توسط این شرکت‌ها در برابر مسائل فرهنگی، تعداد شرکت‌های موفق نیز بسیار است (کائورا و گراهام، ۱۳۹۰: ۵). فراهم نبودن چنین بستری در دولت میزبان برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از نظر شرکت خارجی، معیاری برای عدم سرمایه‌گذاری شرکت خارجی محسوب می‌شود. بنابراین، ایجاد چنین زمینه‌ای اثر دوگانه‌ای دارد، زیرا هم این امر، سبب تقویت

سرمایه‌گذاری شرکت خارجی می‌شود و زمینه مناسب برای فعالیت بخش خصوصی در کشور نیز فراهم می‌شود (بهکیش، ۱۳۹۵: ۲۹۳).

از سوی دیگر، عمده بودجه‌های تحقیقاتی در اختیار شرکت‌های فراملی قرار می‌دهند که از دلایل عمده این مسئله، انعطاف‌پذیری مالی این شرکت‌ها، ظرفیت و توان بالای فناورانه و سرمایه انسانی قوی است. مجموعه این عوامل، به افزایش سطح دانش این شرکت‌ها منجر می‌شود. بسیاری از دولت‌ها، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، قدرت مقابله در برابر نفوذ اقتصادی و سیاسی این شرکت‌ها را ندارند.

۴. تعهدات اخلاقی مبنی بر صیانت یا ارتقای الزامات حقوقی توسط شرکت‌ها

فعالیت این شرکت‌ها سبب ارتباط کشورها در سطح بین‌الملل می‌شود که این امر نیازمند رعایت الزامات حقوق بشری است. شرکت‌هایی که این الزامات را رعایت نکنند، در افکار عمومی سوءسابقه پیدا می‌کنند و ممکن است به پیامدهای منفی مانند تحریم، کاهش فروش و سود منجر شوند. سازمان ملل متحد نیز به ارتباط و وابستگی متقابل حقوق بشر و تجارت اشاره کرده است. حقوق بشر، اصول اخلاقی خاصی دارد و برای الزامات حقوق بشری قائل به وجود مبنای اخلاقی‌اند (Sison, 2018: 212-225). این شرکت‌ها وظیفه دارند که الزامات حقوق بشری را در چارچوب فعالیت‌های خود رعایت کنند (Werhane, 2015: 5-20). شرکت‌های فراملی، الزامات عملی برای رعایت تعهدات اخلاقی حقوق بشری را ندارند، اما به این معنی نیست که اجازه معاونت در نقض الزامات حقوق بشری توسط دولت‌ها را داشته باشند (محمودی و صدیقیان، ۱۳۹۵: ۸۴۴).

امروزه، اتحاد شرکت‌های فراملی و بین‌المللی شدن تولیدات، رشد بازارهای مالی و سرمایه‌ای جهانی به تحولی غیرقابل اجتناب در دیپلماسی، منجر شده است (Richard, 2005: 104-105). وجود چنین دیپلماسی، به افزایش قدرت شرکت‌های فراملی و کاهش اقتدار کشورها در جامعه جهانی منجر شده است. در این بین، دولت‌های توسعه‌گرا در تلاش برای محدود ساختن عقلانیت بازار با هدف تعقیب سیاست‌های صنعتی شدن هستند، درحالی‌که دولت‌های رفاهی به عقلانیت بازار با هدف حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر کمک می‌کنند، اما با وجود این اهداف و به دنبال توسعه اقتصادی، این شرکت‌ها ملزم به رعایت الزامات اخلاقی حقوق بشر نیز می‌شوند.

سال ۲۰۲۲ نوید پیشرفت بیشتر در حوزه قانونگذاری برای حمایت بیشتر از افراد در مقابل فعالیت شرکت‌ها را می‌دهد. آن‌طور که دیدبان حقوق بشر در گزارش سال ۲۰۲۰ خود در مورد رعایت حقوق بشر توسط شرکت‌های تجاری اعلام کرده است^۱، دولت‌های آلمان، سوئیس، دانمارک، کانادا، نروژ، فنلاند و

1. <https://www.hrw.org/world-report/2020/country-chapters/global-2#> , 2020, Brian Stauffer for

اتریش، قوانینی را در نظر گرفته‌اند که نحوه برخورد شرکت‌ها با حقوق بشر در فعالیت‌های جهانی خود را تغییر می‌دهد و فراتر از شفاف‌سازی و گزارش، ارزیابی ریسک‌های حقوق بشری در زنجیره تأمین شرکت‌ها و اقدامات لازم برای پیشگیری از آنها را ضروری می‌انگارند. دولت‌های نامبرده به‌عنوان پیشگامان در عرصه قانونگذاری برای کنترل فعالیت شرکت‌های تجاری، نقش مهمی در مذاکرات مربوط به تهیه پیش‌نویس‌های معاهده الزام‌آور نیز ایفا کرده‌اند. به‌خصوص دولت‌های عموماً اروپایی (عضو اتحادیه اروپا) که پیشتر نام برخی از آنها ذکر شد، در مذاکرات مربوط به پیش‌نویس اول در سال ۲۰۱۹ با بهره‌گیری از تجارب قانونگذاری خود و برخی دیگر از دولت‌ها چون کانادا، ایالات متحده آمریکا و استرالیا با در نظر گرفتن تجربه قضایی (رویه قضایی داخلی) در پرونده‌های مرتبط به ارائه پیشنهادها جهت شفاف‌سازی هرچه بیشتر مفاهیم به‌کاررفته در پیش‌نویس‌ها مبادرت ورزیده و موجبات تسریع در تهیه آنها را فراهم آورده‌اند. چنین گام‌هایی راه را برای اقدامات فراگیر سایر دولت‌ها هموار می‌سازد و نقش بسزایی در جای‌گیری مفهوم حقوق بشر در حوزه فعالیت‌های تجاری و غیرحاکمیتی خواهد داشت.^۱ در تضاد با آنچه درباره مزیت وجود شرکت‌های فراملی بیان شد، مخالفان شرکت‌های فراملی معتقدند که با وجود آنها شرکت‌های داخلی، هویت و استقلال خود را از دست می‌دهند، در نتیجه آثار مخربی بر صنایع داخلی و صاحبان سرمایه ملی دارند. به‌عبارت دیگر، شرکت‌های داخلی مطیع شرکت‌های خارجی می‌شوند. پل باران^۲ پژوهشگر اقتصادی معتقد است که رابطه بین شرکت‌های فراملی و کشورهای در حال توسعه غیرمنصفانه است. به‌نوعی، کشورهای در حال توسعه مورد بهره‌برداری اعلای شرکت‌های فراملی قرار می‌گیرند در نتیجه، صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه روزبه‌روز به تعویق خواهد افتاد.^۳

۵. نگرانی دولت‌ها ناشی از افزایش تمرکز بر شرکت‌های فراملی و نقض برخی اصول حقوق بشری

از جمله نگرانی‌های دولت‌ها این است که روند رشد ناشی از فعالیت این شرکت‌ها، سبب می‌شود که در سطح ملی، تمرکز سرمایه ایجاد شود. این تراکم سبب کاهش تعداد سرمایه‌های مختلف در حال رقابت با یکدیگر می‌شوند و بخش عمده صنعت تحت سلطه تعداد محدودی از انحصارات و شرکت‌ها قرار گرفت و گسترش بازار داخلی و گرایش به رقابت نیز محدود شد و همین موضوع به پدید آمدن مازاد این سرمایه دامن زد. علاوه بر وجود این مشکل، که به نظر تعدادی از متفکران از مهم‌ترین دلایل ایجاد

Human Rights Watch

۱. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و برخی تلاش‌ها برای الزام شرکت‌های تجاری به رعایت حقوق بشر، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

2. Paul Baran

۳. در این زمینه ر.ک: ماهنامه بازار بین‌المللی، (دی ۱۳۸۸)، ۳(۱).

شرکت‌های فراملی و خروج سرمایه مذکور از کشور مبدأ است، عامل اساسی دیگری با عنوان «گرایش نزولی نرخ سود» است که سرمایه‌دار را مجاب به یافتن فرصت مناسب‌تر برای سرمایه‌گذاری بهتر کرد. گروهی دیگر، شکل‌گیری شرکت‌های فراملی و دلیل خروج سرمایه را به دلیل ساخت انحصاری صنعت می‌دانند و معتقدند که سرمایه به سمت فرصت‌های مناسب‌تر و پرسودتر جلب می‌شود. در هر صورت، طبق همه دیدگاه‌های مذکور، شکل‌گیری این شرکت‌ها به منطبق درون‌ساختار نظام سرمایه‌داری در سطح جهان باز می‌گردد (Barnal, 2000: 220).

از سوی دیگر، خصوصی‌سازی حوزه‌هایی مثل سلامت، آموزش، تأمین آب، ارتباطات نیروهای انتظامی و آموزش سبب می‌شود، حوزه‌های که پیشتر به صورت انحصاری در حوزه اختیارات دولت‌ها قرار داشت، توسط بازیگران فراملی اداره شود. ممکن است عده‌ای بیان کنند که با وجود واگذاری این بخش‌ها به بازیگران غیردولتی، اجرای حقوق بشر مربوط به این بخش‌ها به عنوان یکی از کارکردهای عمومی همچنان در اختیار دولت باقی می‌ماند، اما در واقع چنین نیست. هدف اصلی از خصوصی‌سازی این است که دسته‌ای از امور از حوزه‌هایی که توسط دولت اداره می‌شود، خارج گردد. در نتیجه این کار، انعطاف‌پذیری بیشتر و در اکثر موارد پاسخگویی کمتر می‌شود. در عمل نیز دولت‌ها پس از خصوصی‌سازی، نظارت خاصی بر آن حوزه‌ها ندارند و در نتیجه پاسخگویی عمومی در آن زمینه حذف می‌شود (Clapham, 2006: 5). اگرچه اغلب به طور رسمی اعلام می‌شود که همچنان پاسخگویی و جبران خسارت در آن حوزه‌ها وجود دارد، اما این جبران خسارت تحت نام حقوق بشر انجام نمی‌گیرد. از جمله موارد نقض می‌توان به ایجاد قصور در ایجاد شرایط مناسب کار، پرداخت حقوق ناکافی، تبعیض و به کارگیری کودکان اشاره کرد.

افزایش ظرفیت تأثیرگذاری آنها بر تصمیمات سیاسی و اقتصادی دولت‌ها و سازمان‌ها و نهادهای پولی، مالی و تجاری بین‌المللی و همچنین حقوق افراد از یک طرف و تحرک‌پذیری آشکار و پاسخگویی محدود آنها به نظام‌های حقوقی داخلی از طرف دیگر سبب شد که گروه‌های مختلفی از دولت‌ها، اتحادیه‌ها و نهادهای حامی حقوق بشر، نگرانی‌هایی را در زمینه عملکرد این شرکت‌ها طرح کنند (Zerk, 2009: 8-9). از جمله می‌توان به ایجاد تأثیرات منفی بر سیاست‌های ملی دولت میزبان با هدف ایجاد بستری برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و دستیابی به حداکثر سود اشاره کرد و نیز کمک به تداوم نابرابری میان دولت‌های توسعه‌یافته دارای قدرت برتر اقتصادی و کشورهای در حال توسعه با هدف رشد اقتصادی می‌شود.

شایان ذکر است که نگرانی دولت‌ها در زمینه قدرت و عملکرد شرکت‌های فراملی به دولت‌های در حال توسعه و میزبان محدود نمی‌شود، بلکه دولت‌های توسعه‌یافته‌ای که این شرکت‌ها در قلمرو سرزمینی آنها ایجاد یا اداره می‌شوند نیز نگرانی‌هایی را در خصوص عملکرد آنها طرح کرده‌اند. دولت‌های مادر نیز بر این باور بودند که شرکت‌های بزرگ فراملی می‌توانند تهدیدهای بالقوه‌ای را در خصوص اقتصاد محلی، اشتغال و سیاست‌های امنیتی ایجاد کنند (Vernon, 2011: 6).

در حال حاضر، می‌توان گفت شرکت‌های فراملی از اجزای مهم در نظام اقتصادی موجود در سطح جهان است^۱ (Dolzer & Schreuer, 2008: 7) و در جایگاه مشارکت‌کنندگان اصلی و نیروی محرک برای جهانی شدن است (Muchlinski, 2021: 5_8). روند جلب سرمایه‌گذاری کشورهای توسعه‌یافته و همچنین خصوصی‌سازی، نشان می‌دهد که سیاست‌های اتخاذشده راه را برای فعالیت شرکت‌های فراملی بیش از هر زمان دیگری هموار کرده است.

برای پیشگیری از نقض قوانین حقوق بشری، شرکت‌ها متعهد به رعایت این الزامات در سطح بین‌الملل هستند (Ian & Noakes, 2001: 257) و در این زمینه تعهدات حقوق بشری صریحی مبنی بر اینکه در قلمرو خود محدودیت‌هایی را وضع کنند و استانداردهای حقوق بشر نقض نشود، بر عهده دولت‌ها وجود دارد، مانند استانداردهای مربوط به حقوق کارگر و کارفرما (Ssenyonjo, 2009: 115_120). حقوق بشر مبتنی بر نقش محوی دولت است. نماینده ویژه چارچوب اصول سه‌گانه حقوق بشر، با هدف تقویت اصول حقوق بشری و جلوگیری از نقض آنها توسط شرکت‌ها، رویکردهای داخلی مانند سیاست حمایت از فرهنگ شرکتی مبنی بر مسئولیت کیفری و مجازات و همچنین همانندسازی استانداردها در جهت رعایت حقوق بشر در سطح بین‌الملل را پیشنهاد می‌کند.^۲

۵.۱. چالش‌های حقوق کار در عرصه بین‌الملل توسط شرکت‌های فراملی

حقوق بین‌الملل کار، امروزه با وجود شرکت‌های فراملی با چالش‌هایی جدید روبه‌روست که بازنگری در هنجارهای آن را می‌طلبد. چالش مهم پیش‌روی حقوق کار، فرایند جهانی شدن به‌واسطه فعالیت شرکت‌های فراملی است. جهانی شدن بر پایه جابه‌جایی آزاد سرمایه استوار است و این امر موجبات انتقال فرصت‌های شغلی را به‌همراه دارد. از این رو به‌نظر می‌رسد که سازمان بین‌المللی کار به‌عنوان نهادی دیرپا در عرصه روابط بین‌الملل به‌منظور تطبیق خود با واقعیت‌های جهان امروز، به‌تازگی در روش‌های خود تجدیدنظر کرده است و بر رعایت حداقل موازین کار در نظام‌های حقوقی مختلف اصرار دارد (بزرگی، ۱۳۹۵: ۸۹-۹۰).

پدید آمدن گونه‌های مختلف از تعهدات در عرصه بین‌المللی به‌ویژه از نظر حقوق بشر سبب گسترش هنجارها و اصول حقوق کار شده و در واقع زمینه مناسب برای ایجاد تحولات بنیادین در این زمینه را فراهم آورده است. سازمان بین‌المللی کار در راستای تدوین توصیه‌نامه‌ها و مقاله‌نامه‌های جدید از این فرصت استفاده کرده است (Muchlinski, 2021: 5). شایان ذکر است که در برابر مقاله‌نامه‌ها و

1. For a discussion on the economic importance of TNCs, the Universe of the Largest Transnational Corporations, UNCTAD/ITE/ILA/2008.

2. A/HRC/17/31, 2011, p.13

توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، این شرکت‌ها مقاومتی نداشته‌اند، اما در عمل، قادر به مشاهده مشارکت فعالانه آنها نیستیم، پس در واقع این شرکت‌ها نسبت به قوانین موجود حساسیتی ندارند، زیرا این استانداردها شامل حداقل‌های مشترکی‌اند که همه شرکت‌های فراملی طبق قوانین دولت متبوع خود ملزم به رعایت آنها هستند، اما در واقع اثر فعالیت‌های سازمان بین‌المللی کار، حتی در تنظیم روابط صنعتی بسیار محدود بوده است (Hyman, 1995: 191-194).

۵.۲. لزوم تحمیل تعهدات محیط زیست به شرکت‌ها برای اجرای کدهای اخلاقی موجود

از مهم‌ترین موارد تخلف توسط شرکت‌های فراملی، استفاده بی‌رویه از منابع زیست‌محیطی است، در حالی که هر شرکت، تعهداتی نسبت به سایرین بر عهده دارد که از جمله آنها، تعهدات زیست‌محیطی است و حقوق بین‌الملل، رعایت استانداردهای لازم زیست‌محیطی را از وظایف شرکت‌های فراملی می‌داند (کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۲).

استانداردهای موجود حقوق بین‌المللی محیط زیست در عرصه بین‌المللی، از گرایش‌های جدید حقوق بین‌الملل عمومی است. دولت‌ها همواره تلاش کرده‌اند که موضوع را در چارچوب نظام حقوق داخلی سامان دهند. همان‌طور که در اصل یازدهم اعلامیه کنفرانس سازمان ملل ۱۹۷۲ در خصوص محیط زیست اشاره شده است که: «سیاست‌های ملی در ارتباط با محیط زیست باید ظرفیت و قابلیت پیشرفت کنونی داشته باشند و آینده کشورهای در حال توسعه را تقویت کنند». فشارهای اقتصادی عصر حاضر بیان‌کننده این امر کلیدی است که ملاحظات مربوط به مسائل زیست‌محیطی توسط شرکت‌های فراملی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه در اولویت پایینی قرار دارند (بزرگی، ۱۳۹۵: ۱۱۰). با وجود تحمیل تعهدات زیست‌محیطی به شرکت‌های فراملی که در قالب حقوق نرم تدوین یافته‌اند، امروزه در زمینه حقوق بین‌الملل محیط زیست اسناد مختلفی تصویب شده است و این حقوق از وفاق و برتری عمومی نسبی در سطح بین‌الملل برخوردار است (ضیایی، ۱۳۹۵: ۱۰).

در دنیای امروز مصرف‌کنندگان در پی شرکت‌هایی هستند که به اساسی‌ترین نیاز آنان از جمله عدالت اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توجه داشته باشند و به همین علت، بسیاری از شرکت‌ها برای داشتن وجهه مورد قبول در اذهان عمومی، پایبندی خود را به صورت یکجانبه به این کدهای اخلاقی اعلام می‌کنند (Miles, 2007: 100). به این ترتیب با توجه به شناسایی نشدن تعهدات زیست‌محیطی برای شرکت‌های فراملی در عرصه حقوق بین‌الملل و مواضع مراجع حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری در این خصوص تلاش‌هایی در چارچوب نظام خصوصی داخلی برای برتری دادن به منافع عمومی در برابر تعهدات سرمایه‌گذاری افزایش یافته است. از سوی دیگر، تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای استفاده پایدار

از منابع طبیعی انجام شده است؛ از جمله اجلاس جهانی توسعه پایدار که به اصول بنیادین برای شرکت‌های فراملی در این زمینه اشاره کرده است.

۶. نتیجه

فعالیت شرکت‌های فراملی به سرعت در حال گسترش است. کشورهای در حال توسعه برای دست یافتن به فناوری روز دنیا و توسعه فناوری، پرورش نیروی کار ماهر، کاهش بیکاری و ... به همکاری با شرکت‌های فراملی پرداخته‌اند. شرکت‌های فراملی نیز با گسترش شرکت‌های تابعه، در سطح بین‌الملل و سرمایه‌گذاری در قطب‌های صنعتی رو به رشد و استفاده از امکانات موجود در کشورهای گوناگون، به رشد اقتصادی بیشتر و بازاریابی جهانی دست می‌یابند.

در حوزه فعالیت این شرکت‌ها در عرصه بازار جهانی، نظریات مختلفی ارائه شده است. برخی این شرکت‌ها را عاملی برای استثمار کشورهای در حال توسعه می‌دانند و معتقدند برای این شرکت‌ها تنها هدف مورد اهمیت، کسب سود بیشتر و مصرف تولیدات است و گاهی در این مسیر مقررات را نقض می‌کنند و دولت دارای حاکمیت مقتدر را از بین می‌برند و وابستگی اقتصادی را موجب می‌شوند. برخی دیگر آن را عامل توسعه، مهم‌ترین ابزار رفاه اجتماعی و نیرویی برای توزیع ثروت و منابع در این کشورها می‌دانند و به همین دلیل، فعالیت شرکت‌های فراملی و نحوه مدیریت آنها را می‌ستایند. هر آنچه درباره جهانی شدن مطرح می‌شود، سبب تحولات اساسی و ساختاری در نقش دولت شده است. این تحول هم در بخشی از کشورهای در حال توسعه و نیز برخی کشورهای توسعه‌یافته رخ داده است. از طرفی، فعالیت این شرکت‌ها موجب گسترش روابط بین‌الملل کشورها و جوامع شده که همین امر، سبب رعایت الزامات حقوق بشری برای جلب اعتماد کشورهای سرمایه‌گذار شده است. سازمان‌های بین‌المللی نیز در این زمینه برای جلوگیری از نقض مقررات و کنترل بهتر بر منابع و امکانات کشورهای در حال توسعه، الزامات حقوق بشری را پیش‌بینی کرده‌اند که ممکن است برای نقض آنها ضمانت اجرایی در نظر گرفته نشده باشد و در قالب اصول اخلاقی باشد، اما تأثیرات منفی نقض این اصول اخلاقی، ممکن است عواقب سوئی در پی داشته باشد، مانند تحریم خرید تولیدات آنها توسط مصرف‌کنندگان و در نتیجه کاهش فروش و ایجاد ضررهای مالی کلان.

برای سهیم بودن در بازار جهانی باید هرچه سریع‌تر اقدام کرد و نپیوستن به شرکت‌های فراملی، امکان رقابت را از صنایع کشورها می‌گیرد و شرکت‌های داخلی را از الگوی جهانی اندیشیدن و عمل کردن بازمی‌دارد. برای کاهش تأثیرات منفی و موارد نقض برخی الزامات و استانداردهای حقوقی، عملکرد این شرکت‌ها به همبستگی مشترک و متقابل در سطح بین‌الملل نیاز دارد که در صورت رعایت الزامات موجود و مشارکت همه کشورهای در عرصه بازارهای اقتصادی، می‌توان به جنبه مثبت آن دست یافت.

طبق بررسی نظرها به این نتیجه می‌رسیم که فرضیه پژوهش تأیید می‌شود و شرکت‌های فراملی از ثروت و توانمندی‌های جهانی برخوردارند و سبب گسترش جهانی شدن و جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌شوند، اما نیازمند ایجاد نظم حقوقی در سطح بین‌المللی و کنترل و هدایت هستند. برخی شرکت‌ها خود و صناعی را که به آن اشتغال دارند، در معرض آسیب‌های جدی به حقوق بشر، استانداردهای کار، محیط‌زیست و سایر موضوعات اجتماعی قرار داده‌اند. در نتیجه نیازمند بررسی و پژوهش و یافتن راه‌حلی در این حوزه هستیم، زیرا همان‌طور که اشاره شد، همراه نشدن با تحولات اقتصادی دنیا و نپیوستن به شرکت‌های فراملی در بلندمدت، امکان رقابت را از صنایع کشورها می‌گیرد. در این میان توجه به مقوله بین‌المللی شدن و روش‌های دستیابی به آن می‌تواند راهگشای این شرکت‌ها باشد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. بهکیش، محمدمهدی (۱۳۹۵). *اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن*. تهران: نی.
۲. دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۸۴). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌المللی*. تهران: قومس.
۳. رادریگز، چارل (۱۳۸۰). *مدیریت در عرصه بین‌المللی*. شمس‌السادات زاهدی و حسن دانایی‌فر، تهران: صفار و اشراقی.
۴. زهی، نقی و علی‌پور، علیرضا؛ غفارپور، داوود (۱۳۸۶). *سرمایه‌گذاری و روش‌های تأمین منابع مالی خارجی*، آذربایجان شرقی: سازمان دارایی معاونت اقتصادی.
۵. کاتتورا، فیلیپ. آر. و گراهام، جان. ال (۱۳۹۰). *بازاریابی بین‌الملل*. هاشم نیکومرام و محمدعلی عبدالوند، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۶. لاجوردی، عرفان (۱۳۹۰). *حقوق شرکت‌های فراملی*. تهران: میزان.

ب) مقالات

۷. بیگی، محمد، باقرزاده، محمدرضا و قلی‌پور کنعانی، یوسف (۱۴۰۰). *دستیابی به توسعه پایدار در سطح بین‌المللی با تأکید بر بعد زیست‌محیطی با طراحی مدل مدیریت یکپارچه*. *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۲۳، ۱-۱۷.
۸. صالحی مازندرانی، محمد و ذاکری‌نیا، حانیه (۱۳۹۲). *شخصیت حقوقی شرکت‌های چندملیتی و آثار آن*. *فصلنامه حقوق تطبیقی (نامه مفید)*، (۹۷)، ۱۴۵-۱۶۰.
۹. ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۵). *شرکت‌های فراملی و حقوق بین‌الملل محیط زیست*. *فصلنامه حقوق ملل*، ۲۲، ۱۱۹-۱۲۴.

۱۰. قاسمی، سامان (۱۳۸۳). روش‌های تأمین مالی و سرمایه‌گذاری خارجی پروژه. سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، ۱-۳۸.
۱۱. کاظمی، بابک (۱۳۸۴). نقدی بر شرکت‌های چندملیتی. *فصلنامه اقتصاد انرژی*، ۷۹ و ۸۰، ۱۹-۲۳.
۱۲. لطفیان، محمدحسین (۱۳۹۱). شرکت‌های چندملیتی و محدودیت‌های حقوق بشری. *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۶۰، ۵۵۱-۶۱۸.
۱۳. محمودی، هادی و صدیقیان کاشانی، منصوره (۱۳۹۵). تعهدات حقوق بشر و شرکت‌های فراملی با تأکید بر رویکرد شورای حقوق بشر. *فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی*، ۹، ۸۲۹-۸۴۹.

ج) پایان‌نامه‌ها

۱۴. انصاری، هانیه (۱۳۹۵). نقش شرکت‌های فراملی در شکل‌گیری حقوق تجارت بین‌الملل. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی*.
۱۵. بزرگی، اختر (۱۳۹۵). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه شرکت‌های چندملیتی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی*.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Axtmann, R. (2001). *Liberal Democracy into Twenty-First century*. Manchester university press.
2. Baran. P. (2020). *The Political Economy of Growth*. USA, Monthly Review Press, 1st Edition.
3. Hopkins, M. (2012). *Corporate Social Responsibility and International Development: Is Business the Solution?*. Earthscan, London. Sterling, VA.
4. Jennifer A, Z. (2009). *Multinationals and Corporate Social Responsibility: Limitations and Opportunities in International Law*. New York: Cambridge University Press.
5. Larison, Th. & Skidmore, D. (2016). *International Political Economy: The Struggle for Power and Wealth in a Globalizing World*, New York.
6. Muchlinski, Peter (2021). *Multinational Enterprises and the Law*, Third Edition, New York, Oxford University press.
7. Rudolf, D., & Christoph, S. (2008). *Principles of International Investment Law*, For a discussion on the economic importance of TNCs, the Universe of the Largest Transnational Corporations, New York, Oxford University Press.
8. Stubbs, R. (2005). *Political Economy and the changing global order*. by Stubbs and Geoffrey Undrhill, Third Edition, New York.
9. Vernon, R. (2011). *Storm over the Multinationals: The Real Issues*. USA, Harvard University Press.

B) Articles

10. Barnal, R. (2000). Global and Small Developing countries, the imperative for

- repositioning. *Globalization: A Calculus of Inequality*, Ian Randle Publishers, 88-127.
11. Clapham, A. (2006). Thinking responsibly about the subject of subjects. In *Human Rights Obligations of Non-State Actors*. Oxford university press, XV/1, 1-67.
 12. Davarnejad, L. (2008). Strengthening the social Dimension of International Investment Agreements by Integrating Codes of Conduct for Multinational Enterprises. In *Global Forum*, Vol. 7.
 13. Hyman, R. (1995). Industrial Relations in Europe: Theory and Practice. *European Journal of Industrial Relations*, 1, 17-46.
 14. Ian, M R., & B. Noakes, David. (2001). Piercing the Corporate Veil in Australia. *Company and Securities Law Journal*, 19, 250-271.
 15. Jeffrey A, H. (2017). Globalization and Multinational Corporations. in Phil Harris and Craig S. Fleisher, eds. *The Sage Handbook of International Corporate and Public Affairs*, USA, 18, 412-428.
 16. Jose G SISON, A (2018). "Virtue Ethics and NATURAL Law Responses to Human Rights Quandaries in Business", *Business and Human Rights Journal*, Cambridge University Press, Vol.3, PP.211-232.
 17. Kordos. M. & Vojtovic. S (2016). "Transnational corporations in the global world economic environment", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol.230, PP.150-158.
 18. Miles, K. (2007). Transforming Foreign Investment: Globalization: The Environment, And A Climate of Controversy. *Macquarie Law journal*, 7, 81-105.
 19. Peterson, L. E. (2004). 'Bilateral Investment Treaties and Development Policy-Making. *International Institute for Sustainable Development*, 1-46.
 20. Razmi, M. J., Shahraki, S., & Kolaei, M. R. (2011). A Study of the Relationship between Trade and Economic Growth Using the Good Governance Index. *Quarterly Journal of Business Research*, 59, 137-162.
 21. Ssenyonjo, M. (2009). Non-State Actors and Economic, Social and Cultural Rights. *Economic, Social and Cultural Rights in Action, Jurisprudence of the African Commission, Oxford*, 358-397.
 22. Sullivan, D. (1994). Measuring The Degree of Internationalization of a Firm. *Journal of Business Studies*, 25, 325-342.
 23. Kamba w., Guy leopold (2000). political Risk and Foreign Direct investment . *University of Konstanz* ,1-78.
 24. Werhane, P. (2015). Corporate Moral Agency and the Responsibility to Respect Human Rights in the UN Guiding Principles: Do Corporations Have Moral Rights?. Cambridge University Press, 1, 5-20.
 25. Whitaker, J., Ekman, P., & Thompson, S. (2017). How Multinational Corporations Use Information Technology to Manage Global Operations. *Journal of Computer Information Systems*, 57, 1-22.

C) Documents

26. OECD (2008). *Guidelines for multinationals enterprises*.
27. Statement of the Committee on Economic, Social, and Cultural Rights on *Globalisation and Economic, Social and Cultural Rights* adopted on 1988.
28. UN Human Rights Council and some efforts to oblige businesses to comply with human

rights, *Iranian Association for United Nations Studies*.

29. UNCTAD (2005). *United Nations Conference on Trade and Development*.

D) Teases

30. Espinoza, S. (2014). Should International Human Rights Law Be Extended to Apply to Multinational Corporations and Othrt Business Entities. Thesis submitted for the Degree of Doctor of Philosophy in Political Science, *University College London (UCL,)* Department of Political Science.